



آخر علم جهل و آخر عقل حیرت است / عقل؛ منشأ علم

چهره ماندگار فلسفه گفت: علم تا جایی که پیش رفته است را می‌گوید، اما عقل علم را می‌سازد. عقل منشأ علم است، پس قدرتش بیشتر است. آخر علم جهل است و آخر عقل حیرت است.

چهره ماندگار فلسفه گفت: علم تا جایی که پیش رفته است را می‌گوید، اما عقل علم را می‌سازد. عقل منشأ علم است، پس قدرتش بیشتر است. آخر علم جهل است و آخر عقل حیرت است.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامحسین ابراهیمی دینانی، عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران و چهره ماندگار فلسفه در برنامه معرفت؛ گفت: که از شبکه ۴ سیما پخش می‌شود، در تفسیر کلمات قصار باباطاهر اظهار داشت: آیا شناختن انسان محدود است یا نامحدود؟ آیا همه آنچه که شناختنی است، شناخته شده است یا خیر؟ علم امروز بیشتر جنبه کمی دارد، چون با ریاضیات کار می‌کند. علوم ریاضی اندازه‌گیری دقیق می‌کند و محاسباتش دقیق است، اما شناختن اندازه به معنای شناختن حقیقت و همه آن شئی نیست.

وی افزود: حقیقت بیش از اندازه است. همه شناختن‌ها در محاصره ناشناخته‌ها است. شناختن حد دارد. ماورای شناخته‌ها، ناشناخته‌ها است. دایره‌ها، مجهولات و ناشناخته‌ها گسترده است.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران ادامه داد: امروزه بعضی از علما در هر رشته‌ای از ماقبل تاریخ صحبت می‌کنند. مثلاً فیزیکدانان از بیگ‌بنگ صحبت می‌کنند. می‌گویند ماقبل تاریخ است، اما آنها از ما بعد تاریخ صحبت نمی‌کنند. هر آنچه قبل دارد، بعد هم دارد. باباطاهر می‌گوید علم یک پایانی دارد یعنی تا یک حدی بشر می‌داند؛ بعد از آن جهل است.

این استاد دانشگاه با بیان اینکه هستی که ما در آن زندگی می‌کنیم، به سه مسئله کیهان، روان و الوهیت قابل تقسیم است، تصریح کرد: در این مثلث تقسیم سه گانه، کیهان جریان دارد. روان هم رونده است اما الوهیت ثابت است. منشأ روان و کیهان که رونده هستند، الوهیت است. بنابراین کل کیهان و انسان که در این کیهان زندگی می‌کند، دارای روان است؛ این روندگی یک فرآیند است.

ابراهیمی دینانی با اشاره به مسئله فرآیند افزود: فرآیند یعنی رو به تکامل. فرآیند واحد یا یگانه است یا هم دوگانگی هم در آن است؟ بعضی‌ها می‌گویند شدن یکی پس از دیگری است. به طور مثال پیشرفت علم تصحیح در صحیح است یا تصحیح خطاهای گذشته است. بنابراین عالم در تحول است و کیهان و روان همواره تبدیل‌شونده هستند.

چهره ماندگار فلسفه در ادامه گفت: همانطور که کیهان در تحول است، روان آدمی هم پوست می‌اندازد. کیهان و روان تبدیل‌شونده هستند و الوهیت ثابت است و این تحول کیهان و روان از مبدأ الوهیت که غیرمطلق است، مدد می‌گیرد.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران اظهار داشت: روان آدمی هر لحظه بهار است اما ممکن است یک روانی هم منجمد و خشکیده بماند و هرگز بهاری نداشته باشد؛ این از عجایب خلقت انسان است. انسان می‌تواند از کیهان هم رونده‌تر باشد، اگر روانش کامل باشد؛ سرعت سیرش بیش از سرعت سیر کیهان است. اما اگر روانش منجمد شد، از هر سنگی، سنگ‌تر است.

ابراهیمی دینانی تأکید کرد: یک پایان علم داریم و یک پایان عقل؛ این دو با هم تفاوت دارند. امروزه دانش بشر تا یک حدی پیش رفته است. علم امروز می‌گوید تا بیگ‌بنگ رفته‌ام، این در حالی است که بعد از آن را نمی‌داند؛ این جهل است. گذشتگان خیلی علمی فکر نمی‌کنند، می‌گویند آغاز عالم، آفرینش است. قرآن، تورات و کتاب‌های آسمانی گفته‌اند خداوند عالم را آفرید. قبل از آفرینش عالم را نمی‌دانند. عقل با علم قدری تفاوت دارد. علم تا جایی که پیش رفته است را می‌گوید، اما عقل علم را می‌سازد. عقل منشأ علم است، پس قدرتش بیشتر است. آخر علم جهل است و آخر عقل حیرت است.

وی در پایان خاطرنشان کرد: علم می‌گوید من تا یک جایی را می‌زنم؛ دانم و بقیه آنها را نمی‌زنم؛ دانم و این
جهل است، در حالی که عقل می‌گوید من تا یک جایی رفته‌ام؛ تا مقام صفات حق تعالی، اما ذات را
نمی‌زنم؛ توانم توضیح بدهم، این حیرت است. معرفت این تقسیم‌بندی را نمی‌زند؛ کند، چرا که حق تعالی
را می‌شناسد، اما این را می‌فهمد که اینجا باید تسلیم شود. متواضعانه می‌گوید من به اینجا
رسیده‌ام و دیگر تسلیم هستم. عظمت غیرمتناهی را دریافت و درکش می‌کند و می‌فهمد که در
مقابل غیرمتناهی قرار گرفته است. اگر بدانم که به غیرمتناهی رسیده‌ام و غیرمتناهی دریافتنی نیست و در
احاطه من در نمی‌آید و من به غیرمتناهی، محیط نمی‌زنم؛ شوم، پس تسلیم می‌زنم؛ شوم.